

مدرسه فکر

ودانش آموزان فردا

محمد رضا حشمتی
سردبیر مجله رشد راهنمایی

از خودگذشتگی، تعاون، مشارکت، مسئولیت‌پذیری، دروغ‌نگفتن، رعایت حقوق دیگران و... صحبت می‌کنیم. در حالی که یادگیری این موضوعات با سخن‌رانی و خواندن متون حاصل نمی‌شود. بچه‌ها باید با این اخلاقیات زندگی کنند تا آن را یاد بگیرند و بخشی از وجودشان شود. زندگی کردن با این فضایل، به فرصت احتیاج دارد؛ همان فرصت یادگیری!

این فرصت‌ها باید با تأنی و آرامش، اما پرچالش در مدارس ایجاد شود. آرامش به معنای کندي نیست؛ به معنای نداشتن اضطراب و هیجان است. دانش‌آموز باید در محیطی مملو از صلح و صفا، این مفاهیم را یاد بگیرد. برای مثال، باید برای او فرصت ایثار کردن پیش بیاید تا آن را یاد بگیرد. نمی‌شود این مفاهیم را قراردادی و کلاسیک به دانش‌آموزان آموخت. باید ببیند که از معلمان مدرسه یا هم‌کلاسانش کسی بدون این که دیگری متوجه شود، از حق خود می‌گذرد یا نه؟ نه این که از حق خودش بگذرد تا به او یک امتیاز مثبت در کارنامه تعلق بگیرد. متأسفانه، امروز کنترلی که بر معلمان و دانش‌آموزان اعمال می‌شود، بی‌سابقه و بی‌معناست و با ذات معلمی سازگاری ندارد. در چنین فضایی، دانش‌آموز چگونه می‌تواند آیین شهروندی را یاد بگیرد؟ فرصتی برای او ایجاد نمی‌شود! آن‌قدر رقابت فردی و مادی در مدارس زیاد شده که کارکرد جمعی مدارس از بین رفته است.

با توجه به آن‌چه بیان شد، اگر "مدرسه فردا" بخواهد برای "دانش‌آموزان فردا" کارکرد اصلی خود را داشته باشد، انجام اقدامات زیر از سوی مسئولان امور اجتناب‌ناپذیر است.

• فراهم ساختن محیط جذاب، توجه به معماری و ترکیب فضا، انتخاب رنگ‌ها و مؤلفه‌ها، فضای سبز، مطابق نیازمندی‌ها و خصوصیات اسلامی، محلی و بومی.

• فراهم ساختن محیطی ایمن و امن از ابعاد گوناگون، به گونه‌ای که در این محیط، امکان پرورش و شکوفایی استعدادها، خلاقیت و توانمندی‌های نهفته در ذات انسان‌ها فراهم آید و فراگیرندگان با دریافت این احساس امنیت و ایمنی، خارج از محدودیت‌ها، ممنوعیت‌ها و برخوردهای شدید، فرصت یادگیری، تفکر، تجربه، خطا و یادگیری از خطاهای خود را داشته باشند.

• فراهم ساختن محیطی برای تربیت مهارت‌های فکری، عملیاتی، رفتاری، و تعقل در کنار تعلیم دانش، و ایجاد ساز و کارهای

کلیدواژه‌ها:
فرصت یادگیری، محیط یادگیری، محیط تعاملی، فوآدانش، ارزش‌یابی توصیفی.

کانت در رساله واکنش به "تعلیم و تربیت" گفته است: "تعلیم و تربیت مهم‌ترین و مشکل‌ترین مسئله‌ای است که انسان با آن درگیر است" [ادگار مورن، ۱۳۸۳: ۹]. از این رو برخی اندیشمندان مدعی شده‌اند که "علم‌تعلیم و تربیت، جدلی‌ترین، متغیرترین، پیچیده‌ترین و متنوع‌ترین علوم است [همان، نقل از ماکارنکو]."

هم‌چنین، برخی اعتقاد دارند "فرمول تعلیم و تربیت هنوز پیدا نشده است [همان، نقل از اسکار اشپیل]."

راستی! چرا آموزش و پرورش چنین وضع پیچیده‌ای دارد؟ به نظر می‌رسد، یکی از علت‌ها این است که مدرسه محلی است که در آن کنش‌هایی از جنس عمل رخ می‌دهد و فعالیت‌های آن در حیطه شدن قرار دارد. به عبارت دیگر، در این محیط، مدام کنش‌های جدید انجام می‌شود و زایش پدیده‌های آموزشی آتی است. این همان ویژگی "پدیده‌زایی" نظام‌های آموزشی است.

با مروری بر تاریخ آموزش و پرورش، می‌توان گفت، مدارس در گذشته قلب جامعه خود بودند. اما همین‌طور که جلو می‌آیم، از کارکرد اجتماعی خود فاصله گرفته‌اند تا امروز که بیشتر در شأن یک مؤسسه آموزشی، انجام وظیفه می‌کنند. مطالعات متعدد نشان می‌دهد که در گذشته، با افزایش سطح سواد، جامعه از حوادث سوء مصون‌تر می‌شد و از نظر تولید اقتصادی رشد می‌کرد. و شاید به همین دلیل، رفتن به مدرسه و با سواد شدن اجباری شد. وظیفه مدرسه انتقال معینی از سواد و دانش است، اما با چه رویکردی و چه کارکردی؟ اگر قرار باشد علوم جدی جدا از هم را، همانند تولیدات خطوط جدا از هم یک کارخانه، محصول مدرسه بدانیم، در ظلمات عقلانی گام برداشته‌ایم.

شاید بتوان کارکرد اصلی مدرسه فردا را ایجاد فرصت یادگیری دانست. فرصت‌های یادگیری به موضوعات علمی و درسی محدود نمی‌شود، بلکه انواع مهارت‌های ضروری را شامل می‌شود.

بچه‌های فردا به مدارسی نیاز دارند که زمینه‌های اجتماعی شدن آن‌ها را مهیا سازد. در بحث‌های نظری، ما مرتباً از معارف اخلاقی،



یادگرفتن، به جای تعلیم مفاد آموزشی، و نیز آموزش فرادانش به جای آموزش دانش؛ حتی در سطح دبستان.

• فراهم کردن بستر فکر کردن و آموزش شیوه فکر کردن، و دادن فرصت کافی برای فکر کردن به دانش آموزان، به جای پرکردن وقت و انرژی آنان، با ارائه جزئیات و مفاد گوناگون.

• برنامه‌ریزی آموزشی در حجم درسی کم، و فعالیت زیاد به صورتی چالش‌گرایانه، جست‌وجوگرایانه و هنرمندانه.

• فراهم‌سازی زمینه ورود به مباحث انتقال دانش، با گذار از مسیر تجربه، و برخورد با مشکلات و سؤالات، و یافتن آمادگی ذهنی و انگیزه کافی برای فراگیری دانش.

• تلاش برای سوق دادن برنامه‌های آموزشی از "استفاده کردن" به "پدید آوردن" و "یادگیری از طریق پدید آوردن"، در تربیت و تعلیمی خلاقانه، و تربیت خلاقیت.

• سوق دادن برنامه‌های آموزشی، از محوریت ساختار طبقه‌بندی شده مفاد آموزشی بر حسب مباحث و حوزه‌های علمی، به محوریت ایجاد انگیزه و احساس نیاز برای یادگیری موضوعات، و ایجاد حرکت خودجوش دانش‌آموز برای جست‌وجو، یافتن و یادگیری موضوع؛ بنابراین، اولاً ترتیب ارائه مفاد آموزش را برنامه آموزش تعیین نمی‌کند، بلکه ابراز علاقمندی دانش‌آموز، مسائل جاری، شرایط کنونی و سؤالات ایجاد شده برای دانش‌آموزان تعیین می‌کند. ثانیاً، جهت‌گیری‌های کلی بلندمدت و اقدامات جاری کوتاه‌مدت، در برنامه‌ریزی آموزشی، بیشتر بر تعیین برنامه، ایجاد انگیزه و احساس نیاز و و سازوکارهای آن است تا ارائه محتوا. ثالثاً، سازمان‌دهی و کلاس‌بندی دانش‌آموزان، به صورت شناور و با توجه به زمینه‌ها و انگیزه‌ها و علاقه‌های ایجاد شده آنها انجام می‌شود، نه سازمان و سطوح آموزشی.

• توجه ویژه به برنامه‌ها و فعالیت‌هایی که روح دانش‌آموزان را مخاطب قرار دهد، نظیر نقاشی، کارهای هنری آزاد، قصه‌خوانی، ایفای نقش در نمایش‌نامه‌ها و سرودها، انشا، داستان‌نویسی و نمایش‌نامه‌نویسی، و گردش علمی، با حضور در فضاهای خارج از مدرسه، و جمع‌آوری و طبقه‌بندی ساده یافته‌ها، بدون هیچ اجبار و انتظار برای ارائه خروجی مشخص.

• واگذاری بخشی از امور مدرسه به خود دانش‌آموزان، نظیر تربین و نظافت کلاس، کاشتن و مراقبت از گل و گیاه در گلدان در کلاس و حیاط مدرسه، مسئولیت استفاده و نگهداری تجهیزات مدرسه، مدیریت اجرای برنامه‌های مدرسه به صورت عملیاتی و جدی، نظیر مراسم صبحگاهی، ورزش و نظایر آن، و حتی به‌صدا در آوردن زنگ مدرسه در ساعات مقرر، برای افزایش حس مسئولیت‌پذیری، به انتخاب و اختیار خود دانش‌آموزان.

• مشارکت دادن اولیا در امور آموزشی و اجرایی مدرسه، به صورت جدی، و در برنامه‌های آموزشی رسمی و غیررسمی، و فراهم ساختن بستر اجرایی مشخص برای این مشارکت؛ به نحوی که تعدادی از اولیا با حضور منظم حتی در محیط کلاس، به خصوص در سطح دبستان، در فعالیت‌های جاری مدرسه مستقیماً نقش ایفا کنند و فراگیرندگان نیز، محیطی نزدیک‌تر با محیط خانه

مناسب برای آن، از روش‌های تفکر، تصمیم‌گیری، مدیریت و برنامه‌ریزی کارهای خود، اخلاق شایسته، فنون تعاملات اجتماعی، فن بیان، فن نگارش و هنر گرفته تا به کارگیری ماهرانه ابزارها و فناوری‌ها، با برقراری تعادل مناسب بین مباحث نظری و مباحث کاربردی، به شکلی که مباحث نظری قابلیت پشتیبانی کاملاً مشخصی از مباحث کاربردی را داشته باشد.

• به وجود آوردن محیطی پرتحرک، فعال، پر جنب‌وجوش و شکل دادن بستری برای روی دادن حرکت‌های خودجوش و سازمان‌داده و جهت دادن به این حرکت‌ها به سمت رشد استعدادها و خلاقیت.

• ایجاد محیط تعامل و کار گروهی و پرورش توانایی تعاملات و کار گروهی دانش‌آموزان و ارتقای روحیه همکاری، هم‌فکری، احترام به دیگران و حقوق آنها، افزایش آستانه تحمل و حوصله و صبر در کار گروهی و آموزش سازمان‌دهی کار گروهی، با تمهیدات گوناگون از جمله: تغییر سازمان‌دهی شکل کلاس از محیط تسلیم ساز، گوش به فرمان و نقش معلم به عنوان متکلم وحده در مدارس کنونی، به محیطی متعادل، دایره‌وار، همکار و فعال گرفته تا ارزیابی مؤثر خروجی فعالیت دانش‌آموزان به صورت دسته جمعی.

• محور قرار دادن هویت دانش‌آموز در سازمان‌دهی تربیت و تعلیم، و سازمان‌دهی سازوکارهای تربیت و تعلیم به صورتی که آن را تقویت و حفظ کند و از آن در جهت پیشرفت روند تربیت و تعلیم بهره‌جوید.

• ویژه‌گرایی تربیت و تعلیم، و سازمان‌دهی ارائه آموزش متناسب با نیازها، خصوصیات، استعدادها و علاقه‌های دانش‌آموز.

• تغییر نقش دانش‌آموز از نقشی منفعل به نقشی فعال در فعالیت کلاس، و به جای اختصاص دادن بخش عمده آموزش به ارائه محصولات تولید شده توسط نویسندگان کتاب‌های درسی و... تولید محصولات آموزشی در قالب پروژه‌ها، مقالات، ابزارها و نظایر آن، با استفاده از ابزارها و فناوری اطلاعات، و منابع مصور و تصاویر متحرکی که در دست‌رس آنها قرار داشته باشد.

• محور قرار دادن آموزش روش جست‌وجو کردن و



نیره زهدی شایان
معلم نمونه کشوری.
همدان

خانم زهدی متولد همان‌داری کارشناسی آموزش ابتدایی است و ۲ سال سابقه خدمت دارد. وی در سال‌های ۷۵ و ۸۲ به ترتیب معلم نمونه و مدیر نمونه در شهرستان و در سال ۸۸ معلم نمونه در استان شد. این معلم موفق به جز در زمینه‌های آموزشی و مدیریتی، در فعالیت‌های فرهنگی نیز سوابق ارزنده‌ای دارد. از جمله در سال‌های ۸۵ تا ۸۶ رتبه ممتاز راندر مسابقات حفظ و تفسیر قرآن و همین‌تیه‌ها در مسابقات نهج البلاغه فرهنگیان کسب کرده است. همچنین، به کسب رتبه اول در همایش بهداشت روانی در آموزش و پرورش موفق شده است.



را در مدرسه احساس کنند.

- تعامل معلمان و مربیان با خانه و خانواده دانش آموز و مسائل او در بیرون از مدرسه، به صورت منظم و منسجم، برای شناخت بهتر ابعاد و رفتار دانش آموز و یاری به او در رفع مشکلات تربیتی و آموزشی.
- تأمین مالی، روانی و اجرایی کادر آموزشی، برای فارغ شدن از تقریباً هر گونه فعالیت آموزشی یا غیر آموزشی در آمدزا در بیرون از مدرسه.

- ایجاد محیط کاری مطلوب، برای کادر آموزشی و مربیان، و اختصاص بخشی از فضا به صورت اختصاصی به معلمان، برای انجام فعالیت‌های خلاقانه خود، و برنامه‌ریزی و مدیریت امور آموزشی.

- خارج ساختن معلمان از حالت مجری فرامین مجموعه آموزشی در ارائه محصولات تولید شده، به صاحبان نقش جدی در تولید و ارائه محصولات آموزشی، برنامه‌ریزی آموزشی، طراحی شیوه‌های آموزشی، و مؤثر در اداره عمومی مدرسه.
- سازمان‌دهی کادر آموزشی در رشته‌های گوناگون تخصصی، برای هدایت فعالیت تربیتی و آموزشی به شکلی علمی، به نحوی که کلیه فعالیت‌ها مطابق اصول علمی از ابعاد گوناگون قرار داشته باشند.

- استفاده از هنرمندان، متخصصان و صاحب‌نظران طراز اول (تصویر سازان و نویسندگان کودک، متحرک‌سازان، عالمان دینی متخصص در حوزه کودکان، متخصصان تربیت و تعلیم) در کشور، برای فراهم ساختن بستری مطلوب از ابعاد هنری و علمی، به صورت مستمر یا در تناوب مطلوب ممکن.

- ادغام و تفکیک نکردن دانش آموزان تیزهوش، عادی و گاهی استثنایی در سطح قابل قبول و فراهم ساختن محیطی که هر یک از آن‌ها بتواند در این محیط، با در نظر گرفتن واقعیت‌های محیط بیرونی، فرصت رشد مناسب را داشته باشند و توان برقراری ارتباط با سایر افراد را، چه در یاری رساندن به آن‌ها، و چه در تعاملات عمومی، به نحو مطلوب بیاموزد؛ با توجه به این که کادر لازم برای پوشش‌های حمایتی به هر سطح از دانش آموزان، در محیط وجود داشته باشند.

- گرایش جدی به سوی ارزش‌یابی توصیفی، و حذف نمره به صورت تقریباً کامل در دوره ابتدایی و بخش‌هایی از سایر دوره‌ها، و تبدیل مقیاس‌های کمی به کیفی در ارزش‌یابی. هم‌چنین داخل ساختن ابعاد خصوصیات شخصیتی و انسانی و جنبه‌های عاطفی، اجتماعی، تعاملات، و نیز مهارت‌ها، علاوه بر دانش و

محفوظات، در ابعاد این ارزش‌یابی توصیفی.

- فراهم ساختن بستری برای رفع اضطراب دانش آموز در محیط تربیتی-آموزشی.

- پرهیز از انضباط ماشینی خشک و پادگان‌گونه در محیط آموزشی، و فراهم آوردن محیطی آرام، فعال و پر جنب و جوش.

- سازمان‌دهی سازوکار و برنامه‌ریزی و ارائه مفاد تربیتی و آموزشی، براساس انتقال و ترکیب روح پدیده‌ها، و نه تجزیه آن‌ها، با مفروضات انتقال هنر، و انتقال هنری.

- فراهم کردن تدریجی زمینه حذف مرزهای آموزش و پرورش و آموزش عالی و امکان ورود

مباحث و مفاد آموزشی مجموعه به حوزه‌های تخصصی، فراتر از آنچه اکنون در قالب آموزش و پرورش جای گرفته است.

- انجام تکالیف، زیر نظر مربیان و در محل مدرسه. هیچ کار اجباری برای خانه وجود نداشته باشد تا دانش آموز حداقل در خانه، محیطی تقریباً فارغ از دغدغه‌های آموزشی را برای یافتن فرصت تفکر آزاد و انجام کارهای مورد علاقه خود داشته باشد.

- استفاده از تجهیزات رایانه‌ای، به شکل وسیع و مؤثر. هر دانش آموز یک رایانه در کلاس، روی میز و متعلق به خود داشته باشد. کلیه کلاس‌ها به پروژکتور مجهز باشند. پروژکتور در محیط شبکه، امکان نمایش تصویر کلیه رایانه‌های کلاس را، بدون رفتار سخت‌افزاری، داشته باشد.

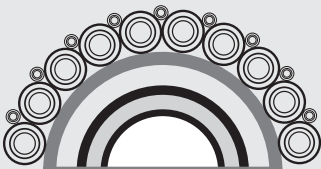
- فراگیری مهارت‌های استفاده از رایانه در کنار مهارت‌های نوشتاری و ترسیمی روی کاغذ. بخشی از فعالیت‌ها بر کاغذ و برخی در محیط رایانه انجام شود.

- استفاده از بازی‌های مفید رایانه‌ای، و ارائه مفاد آموزشی در قالب بازی‌های رایانه‌ای و غیر رایانه‌ای، برای پرورش توانمندی‌های ذهنی، مهارتی، تصمیم‌گیری، و نظایر آن. و نیز افزایش محفوظات و معلومات ضروری، به صورت برنامه‌ریزی شده و منسجم.

سخن آخر: داشتن چنین رویکردی، مستلزم برداشت کاملاً متفاوتی از یادگیری به منظور درک میزان مناسب بودن آن است. در این رویکرد، هدف اصلی آموزش، توانا کردن دانش آموزان برای موفقیت در مدرسه نیست، بلکه کمک به آن‌ها برای موفقیت در زندگی و خارج از مدرسه است.

منبع

۱. ادگار مورن. هفت دانش ضروری برای آموزش و پرورش آینده. ترجمه محمد یمنی. دانشگاه شهید بهشتی. تهران. ۱۳۸۳.



مژگان قاسمی
(۱۳۵۰)

معلم نمونه کشوری. همدان
متولد اسدآباد و دانش‌آموخته رشته دینی و عربی و قرآن از مرکز تربیت معلم شهید باهنر در همدان است. مژگان قاسمی همچنین مدرک کارشناسی الهیات و معارف اسلامی و سپس کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی را از دانشگاه آزاد همدان دریافت کرده است. وی فعالیت‌های علمی و پژوهشی را از سال ۸۳ با همکاری در اجرای یک پژوهش در شورای تحقیقات آموزش و پرورش استان شروع کرد و از آن پس به شرکت در اجرای پژوهش‌های تمایلی پیدا کرد که در پی آن موفق به کسب رتبه‌های برتر شهرستانی و استانی شد.